

## دیوان بین‌المللی کیفری و دستیابی به صلح پایدار

### نمونه موردی دادگاه کیفری بین‌المللی کامبوج<sup>۱</sup>

اشکان فامیل مدبران

دانش آموخته دکتری تخصص حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

[a.familmodaberan@urmia.ac.ir](mailto:a.familmodaberan@urmia.ac.ir)

محمدحسن جوادی

دانشیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

[mh.javadi@urmia.ac.ir](mailto:mh.javadi@urmia.ac.ir)

رضا نیکخواه سرنقی

دانشیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

[r.nikkhah@urmia.ac.ir](mailto:r.nikkhah@urmia.ac.ir)

## چکیده

ایده تأسیس و بنیان‌گذاری یک نهاد کیفری بین‌المللی برای محاکمه و مجازات مرتکبان مهم‌ترین جنایات بین‌المللی همواره مطرح بوده است. این اندیشه که به‌ثمر رسیدن آن آرزوی کثیری از اندیشمندان و مصلحان و آزادی‌خواهانی همچون «گوستاو موانیه» بوده، در عصر حاضر به اعتلای پیشرفت و گستردگی خود رسیده است و از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی دائمی برای این موضوع تشکیل شده است. البته باید خاطر نشان کرد که تجربه یک نهاد جهانی برای محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی منحصر و محدود به دیوان بین‌المللی دائمی نیست و در این زمینه سابقه‌ای چند وجود دارد، همانطور که در برهه‌های مختلف تاریخی شاهد شکل‌گیری محاکم خاص و ویژه‌ای برای پیگرد و رسیدگی به برخی از جنایات بین‌المللی در عرصه جهانی تأسیس و ایجاد شده هست هرچند بعضی از آنها موقتی بوده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چرا دادگاه کیفری بین‌المللی کامبوج تشکیل شد؟

**کلیدواژه:** محاکم کیفری بین‌المللی، دادگاه کیفری کامبوج، حقوق کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری با عنوان بررسی عنصر عدالت جنایی در پرتو محاکم کیفری بین‌المللی برای دریافت درجه دکتری تخصصی در رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی می باشد.

## مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی اول، «کمیسیون مربوط به تعیین مسئولیت آغازکنندگان جنگ و اعمال مجازات علیه آنها برای نقض قوانین و عرف جنگی» که به وسیله کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹ تشکیل شد، پیشنهاد کرد که یک محکمه موردی برای محاکمه کسانی که مرتکب جنایات جنگی و نقض قوانین بشری شده‌اند، تشکیل شود. این پیشنهاد نیز مثل پیشنهادهای سال‌های قبل از آن (از جمله پیشنهاد تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به جنایات ارتکاب یافته در اثنای جنگ فرانسه و پروس در سال ۱۸۷۰) عملی نشد. اهمیت این مسئله، در پیشگیری و کاهش جنایات جنگی و نقش قوانین و عرف جنگی بر کسی پوشیده نیست؛ ولی تصمیم گرفته شد که فقط قیصر، به موجب مفاد معاهده ورسای ۱۹۱۹، در مقابل یک محکمه بین‌المللی مورد محاکمه قرار گرفته و سایر موارد در محاکم نظامی کشورهای متفق مورد رسیدگی قرار گیرد. پس از فرار قیصر به هلند، دولت هلند به استناد اینکه وی پناهنده سیاسی است و اینکه حقوق هلند استرداد مجرمین سیاسی را به یک دولت دارای حق حاکمیت و نه به مجموعه‌ای از دول، پیش‌بینی کرده است؛ از استرداد وی به دول متفق خودداری کرد و قیصر تا زمان مرگش در هلند باقی ماند. در مورد سایر متهمان هم، هرچند که به موجب مفاد معاهده ورسای، آلمان توافق کرده بود که متهمان به ارتکاب جرایم جنگی را جهت محاکمه در محاکم خاص به دولت‌های متفق تسلیم نماید؛ ولی پس از درخواست دول متفق از دولت آلمان، در اثنای اجلاس صلح پاریس برای تسلیم ۸۹۵ متهم، دولت آلمان از پذیرش این درخواست خودداری کرد. در نتیجه، دول متفق هم پذیرفتند که تعدادی از متهمان در محاکم آلمان در لایپزیک محاکمه شوند. نهایتاً ۱۲ نفر برای محاکمه انتخاب شدند که در محاکمه آنان، صرفاً به مسائلی همچون شیوه رفتار با اسرا و نظایر آن، و نه اصل موضوع شروع مداخلات، پرداخته شد و بر اثر فشار افکار جهانی و عمومی آلمان، نهایتاً تعداد اندکی از آنان محکوم شدند. علی‌رغم موفق نبودن تشکیل محکمه بین‌المللی پیش‌بینی شده در معاهده ورسای، پیشنهاد کمیسیون تعیین مسئولیت آغازکنندگان جنگ، دایر بر تشکیل محکمه‌ای برای محاکمه جنایتکاران جنگی و نیز مفاد معاهده ورسای در این مورد، نقطه عطفی در روند جهانی کردن عدالت کیفری محسوب می‌شود. هدف در این محکمه‌ها پاسخگو کردن افراد در برابر اقدامات‌شان در شرایط غیرعادی و جنگی است؛ تا از تکرار این جنایات در آینده جلوگیری شود.

دولت آمریکا در جریان اجلاس پاریس، با موضوع تعقیب برپاکندگان جنگ مخالفت می‌کرد. استدلال ایالات متحده این بود که این تعقیب‌ها و پیگردها به نوعی عطف به ماسبق کردن قانون محسوب می‌شود و تأکید داشت که مسئولیت ناشی از نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی بالاتر از آن، جرایم علیه حقوق بشر دوستانه، یک مسئله غیرحقوقی و غیراخلاقی محسوب می‌شود. دولت هلند هم با همین استدلال آمریکا، یعنی عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری، از استرداد ویلهلم دوم (امپراتور آلمان)، خودداری کرد. اصولاً قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا، در هر مسئله‌ای در راستای منافع و اهداف خود، سعی در اعمال نفوذ دارند. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که چرا دادگاه کیفری بین‌المللی کامبوج تشکیل شد؟ فرضیه پژوهش عبارت است از: رسیدگی به جنایات جنگی و نقض قوانین و عرف جنگی در راستای دستیابی به صلح پایدار.

## تعریف جرم بین‌المللی

دادگاه نظامی آمریکا مستقر در نورنبرگ، جرم بین‌المللی را این‌گونه تعریف کرده است: «جرم بین‌المللی یک مسئله جدی مورد اهتمام بین‌المللی تلقی می‌شود که از نظر جهانی، به‌عنوان جنایت شناخته شده و به دلایل معتبر، رسیدگی به آن نباید منحصرأ در صلاحیت دولتی قرار گیرد که در شرایط عادی از این حق برخوردار است». این موضوع که چه جرایمی می‌توانند به‌عنوان

جرایم بین‌المللی شناخته شوند، بستگی به نهادی دارد که به چنین مسائلی رسیدگی می‌کند. برای مثال: تا قبل از برگزاری اجلاس نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در رم برای تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی در ژوئن و جولای ۱۹۹۸، جرایم بین‌المللی به جرایمی گفته می‌شد که در یک دادگاه کیفری بین‌المللی اعم از دائم یا موقتی تحت تعقیب و پیگرد قرار می‌گرفتند (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۶: ص ۹۸).

جرم بین‌المللی، عملی مخالف حقوق بین‌الملل است که کشورها (براساس عرف یا قرارداد) آن را جرم شناخته‌اند. تا قبل از جنگ دوم جهانی، به سبب قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی، جرمی بود که جنبه عام داشت؛ مانند دزدی دریایی، برده‌فروشی، خرید و فروش زنان، خرید و فروش اطفال، تهیه و خرید و فروش مواد مخدر؛ و از طرف دیگر، عبارت بود از عدم رعایت قواعد و رسوم جنگ؛ اعم از جنگ زمینی، دریایی و هوایی و اعمال ضدانسانی مربوط به زمان جنگ. بعد از جنگ دوم، چند جرم بر فهرست جرایم بین‌المللی افزوده شد؛ مانند جنایات ضدبشر، جنایات ضدصلح و جنایات جنگی. «جنایات ضدبشر» جرایمی است که تا قبل از تشکیل دادگاه نورنبرگ در حقوق بین‌الملل، عنوان خاص و سابقه مشخص نداشته است. در حالی که اهمیت آن، اگر نگوئیم بیشتر از سایر جنایات است، کمتر از آنها نبود. این جنایات، طبق بند ج ماده ۶ اساس‌نامه دادگاه نظامی نورنبرگ عبارتند از «نابودی، به بردگی گرفتن، تبعید یا هر عمل غیرانسانی دیگری ضد مردم غیرنظامی، که قبل از جنگ یا حین جنگ ارتکاب شود یا شکنجه و عذاب دادن مردم به علل سیاسی، نژادی و مذهبی». «جنایات ضدصلح»، طبق بند الف ماده ۶ اساس‌نامه دادگاه نظامی نورنبرگ عبارتند از: «اداره یا شروع و تهیه یا ادامه یک جنگ تعرضی یا جنگی که برخلاف عهدنامه‌ها و پیمان‌ها یا قراردادهای بین‌المللی واقع شود یا شرکت در یک نقشه دسته‌جمعی یا توطئه به منظور اجرای یکی از اعمال مذکور» (انوری، ۱۳۸۶: ص ۵۱).

به اعتقاد علی خانلری المشیری: اسناد نشان می‌دهد که اولین پیگرد بین‌المللی در سال ۱۴۷۴ اتفاق افتاد که طی آن، «هاگن باخ» در شهر «برساک» آلمان متهم به جرایم جنگی گردید و توسط دادگاهی که دولت‌های متحد امپراتوری مقدس روم تشکیل دادند، محاکمه و محکوم شد. این امر می‌توانست شروع خوبی برای سایر جنایات جنگی باشد. حسینقلی حسینی‌نژاد در ارتباط با مفهوم جرم بین‌المللی معتقد است که: «مفهوم جرم بین‌المللی، جدید است؛ زیرا حقوق بین‌المللی اخیراً این دو فرض را پذیرفته است: اول، دولت‌ها در روابط بین‌المللی تابع حقوق‌اند، و دوم، رفتارهای غیرقانونی دولت را می‌توان به فردی انسانی نسبت داد و به همین علت علی‌رغم ظواهر، این مفهوم تاریخی چندان دوام ندارد (نورا و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۶۷).

از تورات و انجیل گرفته تا آثار سنت آگوستین از نظر مذهبی و در آثار ارسطو از نظر عرفی، مسلماً افکاری درباره فرضیه «جنگ عادلانه» و «نحوه رفتار در جنگ» می‌توان یافت که هنوز هم، رنگ کهنگی به خود نگرفته است و آنچه این افکار برای آنکه به صورت حقوق درآیند، کم دارند؛ این است که با کیفری همراه نیستند و تا زمانی که کیفر وجود نداشته باشد، جنبه رسمی و قانونی نخواهند داشت.

سن آمبرواز، پس از قتل عام مردم تسالوینگ در سال ۳۹۰ بعد از میلاد، تئودور (امپراتور روم) را از ورود به کلیسای میلان منع کرد. با این کار، نمی‌توان سن آمبرواز را قاضی بین‌المللی دانست؛ بلکه او کشیشی است که کیفری مذهبی را درباره گناهی که امپراتور روم در قتل عام مردم غیرعیسوی مرتکب شده است، اجرا می‌کند. آنچه در سطح بین‌الملل، مورد توجه قرار می‌گیرد این است که حکم، حتماً توسط قاضی بین‌الملل و در محکمه بین‌المللی صادر شده باشد. در مورد جرم بین‌المللی، عقاید حقوقی ناظر به هر دو جهت است: گروهی معتقدند که اعطای قدرت به پادشاهان، فی‌نفسه نمی‌تواند هدف باشد؛ بلکه وسیله‌ای است که باید در خدمت عدالت و صلح به کار رود. عدالت و صلحی که خود پادشاهان، تابع آن هستند. به دلیل اینکه این فکر نمی‌تواند در حقوق موضوعه مصداقی داشته باشد؛ ناچار به دامن حقوق طبیعی پناه می‌برد و در آنجا دچار همان اختلافاتی

می‌شود که دامن‌گیر حقوق طبیعی است. فرزندان معنوی سن توماس داکن، یعنی پیروان مکتب اسپانیا تا قرن شانزدهم میلادی نظیر ویتوریا و بلینی، این حقوق را بر پایه قوانین الهی استوار می‌کنند و حقوق‌دانانی دیگر مانند گروسیوس و پوفندروف، مبنای این حقوق را تعاون دولت‌ها می‌دانند که این تعاون، ضرورتی عقلانی است؛ ولی در کل، همگی اتفاق نظر دارند که قدرت پادشاهی در عین آنکه امتیازی است که دیگران را از دخالت بر آن باز می‌دارد، تابع مقاصد عالی است (کاسسه، ۱۳۸۳: ص ۳۲۱).

ویتوریا که روحانی کاتولیک است، به‌شدت با نفوذ پاپ یا امپراتور در قدرت دولت‌ها مخالف است و همین امر، در صورت لزوم، تأکید می‌کند که مقام پاپ، به منزله عضو در جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است و گروهی دیگر، قدرت شاه یا دولت را ارزشی مستقل قلمداد می‌کنند که در مقاصد خود و اجرای این مقاصد، تابع مقامی دنیوی و الهی نیست.

تأثیر این طرح آنچنان است که نخستین آثار کیفری این رفتارهای غیرقانونی در چند حقوق داخلی ظاهر شده است، و نه در سطح بین‌المللی. قانون اساسی سال ۱۷۸۷ ایالات متحده آمریکا و قانون اساسی سال ۱۸۷۴ فدراسیون سوئیس مقرر می‌دارد که، جرائم حقوق بین‌الملل را محاکم داخلی رسیدگی کنند. ولی باید گفت، نخستین فرضیه‌هایی که عملاً محاکمه کیفری این رفتارها را ممکن می‌کرد، چندان کاری با حقوق نداشت. ا

### تعریف جنایت بین‌المللی

مفهوم جنایات علیه بشریت، برای اولین بار توسط «رافائل لمکین» وزیر امور خارجه یونان، در جریان مباحثات مربوط به قتل آرامنه توسط دولت عثمانی در جنگ جهانی اول مطرح شد؛ لکن تا زمان برپایی دادگاه نورنبرگ، مفهوم مذکور، مبهم و ناشناخته باقی ماند. لذا، می‌توان گفت که دادگاه نورنبرگ، اولین گام را در تعیین چگونگی و کیفیت این نوع از جرایم برداشت. مفهوم جنایت علیه بشریت، از این اصل ناشی می‌شود که هدف متعالی و نهایی تمام سیستم‌های حقوقی، حمایت از انسان و حقوق اساسی بشریت است (کرامر، ۱۳۹۱: ص ۸۹).

عبارت «جنایت علیه بشریت»، برای نخستین بار در سال ۱۹۱۵ وضع شد. فرانسه، انگلیس و روسیه این عبارت را برای اشاره به قتل عام آرامنه در ترکیه به‌کار بردند. اما قانون‌گذاری و تعریف آن در سال ۱۹۴۶ و در بند ج ماده ۶ منشور نورنبرگ صورت گرفت. این منشور، از «قتل عمد (یکی از انواع قتل)، نابودی، برده‌سازی، اخراج و سایر اقدامات غیرانسانی ارتکاب‌یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی، پیش از جنگ یا در حین آن؛ یا آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی، در ارتباط با هر جرمی که در صلاحیت محکمه قرار می‌گیرد، خواه نقض حقوق داخلی کشور محل وقوع، محسوب شود یا خیر»، صحبت می‌کند. بدین ترتیب، جنایت علیه بشریت تا قبل از جنگ جهانی دوم، مورد توجه و رسیدگی قرار نگرفته بود و برای نخستین بار در محاکمه نورنبرگ، مورد بررسی قرار گرفت.

### صلح پایدار در نظام بین‌الملل

کانت در تئوری صلح پایدار<sup>۲</sup> در حقوق بین‌الملل، معتقد است تنها زمانی می‌توان در جامعه بین‌الملل به صلح پایدار رسید که ملت-دولت‌ها از نظر داخلی، آزاد باشند. به نظر وی، برای اینکه نظام بین‌الملل، به‌ویژه نظام حقوق بین‌الملل، دارای مشروعیت اخلاقی باشد؛ باید براساس اتحاد و همبستگی کشورها و ملت‌های آزاد (لیبرال-دموکراتیک) پی‌ریزی شده باشد و اساس این همبستگی باید التزام اخلاقی دولت‌ها به رعایت آزادی فردی، وفاداری نسبت به حکومت قوانین بین‌المللی و منافع مشترک

<sup>۲</sup> Perpetual Peace

حاصل از تعامل مسالمت‌آمیز باشد. نوآوری و تازگی در نظریات کانت، نشان‌دهنده این است که اندیشه‌های وی، پیشگام سازمان ملل متحد و حمایت از نظم جهانی مسالمت‌آمیز بوده است. کانت علاوه بر پیش‌بینی ایجاد یک سازمان فراگیر بین‌المللی در مواردی همچون ارتباط وثیق بین صلح بین‌المللی و آزادی فردی و همچنین ارتباط بین ماهیت حکومت‌های خودسر در داخل با تجاوزات آنها در عرصه بین‌الملل و نیز ارتباط درونی بین آزادی در داخل و مبانی حقوق بین‌الملل را پیش‌بینی کرد (وتسون، ۱۳۸۸: ص ۲۳). به عبارت دیگر، صلح پایدار، وضعیتی است که برای همیشه در منطقه صلح برقرار شود. این مفهوم را اولین بار، سن پیر در مقاله‌ای با عنوان «طرحی برای صلح پایدار» در قرن هجدهم، به کار برده است. او کسی بود که در آن زمان، مأمور مذاکره برای قرارداد اوترخت بود. ولی این مفهوم، در آن زمان مورد توجه قرار نگرفت و در سال ۱۷۹۵، بعد از انتشار رساله صلح پایدار از ایمانوئل کانت، شناخته شد.

### عدالت جنایی در دادگاه کیفری بین‌المللی کامبوج

نسل‌کشی‌های کامبوج توسط دولت خمرهای سرخ به سرکردگی «پل پوت» در بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ میلادی، بین یک‌ونیم میلیون تا سه میلیون کامبوجی را در دام مرگ گرفتار ساخت. خمرهای سرخ، برنامه ایجاد یک سوسیالیسم دهقانی را، مبتنی بر اندیشه‌های استالینستی و مائوئیستی در کامبوج داشتند. سیاست‌های این گروه برای کوچ اجباری و تعدیل و جابه‌جایی جمعیت از حومه شهرها، شکنجه و اعدام‌های دسته‌جمعی از طریق بیگاری، سوءتغذیه و بیماری، باعث کشته شدن دو میلیون کامبوجی (معادل یک‌چهارم جمعیت وقت آن کشور) شد. این نسل‌کشی با حمله ویتنام به کامبوج، پایان یافت.

خمرهای سرخ از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹، قدرت را در کامبوج در دست داشتند و به شدت، سیاست اصلاحات اجتماعی رادیکال را دنبال کردند که منجر به کشته شدن صدها هزار کامبوج از طریق اعدام‌های دسته‌جمعی و محرومیت فیزیکی شد. در ژانویه ۱۹۷۹، دولت توسط کارگزاران سابق خمرهای سرخ و با حمایت قابل توجه ارتش ویتنام، سرنگون شد. در اوت همان سال، دادگاه ویژه‌ای به نام دادگاه انقلاب خلق برای محاکمه دو تن از قدرتمندترین رهبران دولت خمرهای سرخ، پل پوت و اینگ ساری، تشکیل شد. اتهام علیه آنها نسل‌کشی بود، همانطور که در کنوانسیون نسل‌کشی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ تعریف شده بود. بنابراین، آنها غیابی محاکمه شدند (Howard J. De Nike, Quigley Kenneth, ۲۰۱۲: p. ۳۰۱).

روایت تاریخ معاصر کامبوج، دقیقاً با چندین دوره از جنگ‌های مختلف، قابل بازگویی است. شاید این جنگ‌های طولانی مدت در نهایت، به خشونت‌های مشهور دوره خمرهای سرخ منجر گردد. اولین دوره جنگ‌هایی که رخ داد، جنگ‌های استقلال برای کامبوج بود که در سال ۱۹۵۴ به نتیجه رسید و کشور مستقل کامبوج با دولت ملی تشکیل شد. پس از آن از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹، دوره سیطره و جنگ‌سالاری خمرهای سرخ به رهبری پل پت بود؛ که حمله ویتنام در سال ۱۹۷۹ به این نسل‌کشی پایان داد. در آوریل سال ۱۹۷۵، زمانی که نیروهای خمرهای سرخ به پایتخت کامبوج (پنوم پن) رسیدند، همه دو میلیون نفری را که در پایتخت مقیم بودند، به اجبار از آنجا اخراج کردند و افراد مسن که توان حرکت نداشتند و در خانه مانده بودند و یا افرادی که بنا به دلایلی در منزل خود مخفی شده بودند، به دست نیروهای خمرهای سرخ به دلیل سرپیچی از دستورات، کشته شدند. جمعیت پنوم‌پن در آن زمان، دو میلیون نفر بود. همه افرادی که اخراج شدند، مجبور به سکونت در روستاها شده و به کار اجباری گماشته و تحت شکنجه و بدرفتاری و شرایط بد زندگی مثل گرسنگی و عدم وجود مسکن قرار گرفتند که منجر به مرگ این افراد گردید. تخمین تعداد کشته‌های مردم کامبوج توسط خمرهای سرخ، به حدود ۱/۷ میلیون نفر می‌رسد که در آن تاریخ، که جمعیت کامبوج ۷ میلیون نفر بود، یعنی یک‌پنجم جمعیت کل این کشور را شامل می‌شد. پس از اتمام این نسل‌کشی، که با حمله ویتنام به کامبوج صورت پذیرفت؛ در دوران جنگ سرد، امکان تشکیل دادگاه بین‌المللی غیرممکن بود و از سوی ایالات متحده آمریکا و چین رد می‌شد؛ زیرا ویتنام و اتحاد جماهیر شوروی در عقب راندن این نیروهای متخلف سهم به‌سزایی

ایفا کردند و دولت چین به دلیل رقابت با اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا به دلیل خصومت با ویتنام، از تشکیل این دادگاه جلوگیری کردند. پل پت، در سال ۱۹۹۸ در نزدیکی مرز تایلند از دنیا رفت و پس از آن، مذاکراتی که با سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۸ در جریان بود، به طور جدی تری به جریان افتاد (کرایر و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۸۹).

یکی از تبعات جنگ‌های استعماری در آسیای جنوب شرقی که از ابتدای قرن بیستم تا دهه ۱۹۹۰ ادامه داشتند و در آنها ابتدا دولت فرانسه و سپس ایالات متحده آمریکا درگیر بودند و میلیون‌ها تن را به کشتن دادند، به قدرت رسیدن گروه‌های فاشیستی و کمونیستی در این مناطق بود. یکی از این گروه‌ها، خمرهای سرخ بودند که گرایش کمونیستی افراطی و مائونیستی داشتند. خمرهای سرخ، پس از جنگ‌های چریکی در نیمه دهه ۱۹۷۰؛ یعنی درست زمانی که ایالات متحده آمریکا پس از شکست در ویتنام در حال خالی کردن این منطقه بود، در ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ قدرت را در کامبوج به دست گرفتند. رهبر آنها فردی به نام پول پات تحصیل کرده فرانسه بود. خمرهای سرخ، به محض رسیدن به قدرت، یک ایدئولوژی فوق‌العاده خشونت‌آمیز را به اجرا گذاشتند؛ که با تخلیه شهرها آغاز شد. دلیل، آن بود که آنها شهرها را مراکز فساد امپریالیستی می‌دانستند. بدین ترتیب، میلیون‌ها تن از ساکنان پنوم‌پن (پایتخت) و سایر شهرها، به زور و در بدترین شرایط به روستاها و درواقع، اردوگاه‌های کار اجباری منتقل شدند و در آنجا، بدون دریافت مزد از آنها بیگاری کشیده شده و دائماً در کلاس‌های اجباری ایدئولوژیک شرکت داده می‌شدند. در طول تقریباً چهار سالی که خمرهای سرخ بر سر کار بودند؛ همه روشنفکران و همه افراد تحصیل کرده‌ای را که نتوانسته بودند از کامبوج فرار کنند، به قتل رساندند؛ زیرا معتقد بودند روشنفکران و افراد تحصیل کرده، «نوکران امپریالیست‌ها» هستند. افزون‌بر این، هرکس در کوچک‌ترین مظان اتهام به گرایش به امپریالیسم و غرب قرار می‌گرفت، سریعاً و بی‌درنگ دستگیر، شکنجه، و نهایتاً اعدام می‌شد. نتیجه این حکومت دردناک و دهشت‌آور، نزدیک به دو میلیون نفر کشته - که تقریباً یک‌سوم کل جمعیت بود- و صدها هزار پناهنده به کشورهای همسایه، را دربرداشت. نسل‌کشی کامبوج را باید یکی از بزرگ‌ترین نسل‌کشی‌های قرن بیستم به نسبت جمعیت این کشور، در قرن بیستم و در کل تاریخ بشریت دانست. در سال ۱۹۷۸ کشور ویتنام، زیر فشار شوروی، کامبوج را اشغال و خمرهای سرخ را از حکومت بیرون راند. خمرها به جنگل‌ها پناه بردند و به جنگ چریکی خود ادامه دادند. ویتنام تا سال ۱۹۸۹ در کامبوج باقی ماند و سپس حکومت جدیدی، زمام امور را در این کشور به دست گرفت. اما جنگ با خمرهای سرخ تا آتش‌بس سال ۱۹۹۱، ادامه پیدا کرد. رهبران خمرها از جمله پل پات، سرانجام دستگیر شدند. در این بین، انگاره‌هایی مبنی بر تشکیل دادگاه‌هایی ویژه، مشاهده شد که طبق توافقات میان این کشور سلطنتی و سازمان ملل متحد، قرار بر این بود که این دادگاه‌ها در پنوم‌پن، تشکیل شده و طبق قوانین داخلی کامبوج، رأی صادر کنند. البته، در کنار قضات و دادستان‌های کامبوجی، حقوق‌دانان تعیین شده از جانب سازمان ملل متحد نیز به‌عنوان دستیار و ناظر حضور داشتند و آرای صادر شده نیز باید توسط حداقل یک قاضی بین‌المللی، مورد تأیید واقع می‌شد. در این بین، ایالات متحده آمریکا نیز در تلاش است در جریان برگزاری این دادگاه‌ها، از مسئولیت ایالات متحده پس از لشکرکشی به کامبوج در سال ۱۹۷۰ که منجر به آن جنگ خونین داخلی شد، صحبتی به میان نیاید. گفتنی است در این دادگاه‌ها، فقط رهبران ارشد حکومت پول پوت، که تعدادشان حداکثر به ۶۰ نفر می‌رسید، محاکمه شدند و اشد مجازات که طبق قوانین کامبوج حبس ابد بود، برای آنها در نظر گرفته شده است. اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل متحد تا سال ۱۹۹۱، بر این عقیده بودند که نمایندگی کامبوج در نشست‌های مجمع عمومی این سازمان، همچنان باید در انحصار و در اختیار فرستادگان و نمایندگان پول پوت باشد. لیکن دولت جدید کامبوج که در سال ۱۹۷۹ بر سر کار آمد و عنوان «جمهوری دموکراتیک کامبوج» را بر خود نهاد، پیوسته تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی قرار داشت؛ چراکه دیگر کشورها، این دولت را دست‌نشانده و ساخته و پرداخته ویتنام می‌دانستند و این در حالی است که اصولاً کشتارها و قتل‌عام‌ها در کامبوج، زمانی افول کرد که ارتش ویتنام به این کشور وارد شد و لذا، ریشه‌کن شدن اپیدمی خشونت و به‌نوعی، حیات امروزی کامبوج، مرهون همان مداخله خارجی است. در آن زمان، یعنی در آگوست

۱۹۷۹ در شهر آزاد شده پنوم پن، دادگاهی انقلابی تشکیل شد و پول پوت و معاون اولش (اینگ ساری) را غیاباً به مرگ محکوم کرد؛ که البته در غرب، از این دادگاه به عنوان محکمه نمایشی و صوری و نیز تبلیغاتی یاد گردید. در طول زمان متمادی، هیچ قطعنامه یا سندی از جانب سازمان ملل متحد صادر نشد که مبتنی بر محکومیت نسل کشی در کامبوج یا حتی فقط اعلام نسل کشی در کامبوج باشد؛ زیرا در سال ۱۹۹۱ پس از سال‌ها سکوت، کمیسیون فرعی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر از وقوع نسل کشی در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ سخن به میان آورد. در سال ۱۹۹۱ توافقنامه پاریس به امضاء رسید که سلطه انتقالی سازمان ملل متحد در کامبوج را به وجود آورد. البته این توافقنامه، اجازه بازگشت خمرهای سرخ به پایتخت را می‌داد؛ اما بعدها در سال ۱۹۹۴ مجلس ملی کامبوج، خمرهای سرخ را از حقوق قانونی بی‌بهره ساخت. در سال ۱۹۹۷، نخست‌وزیر «هان سن و پرنس نوردم رناریده» تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی را، جهت دادگاهی کردن خمرهای سرخ، از سازمان ملل متحد درخواست نمودند. در سال ۱۹۹۸، پس از مدت‌ها انتظار، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نسل کشی در کامبوج را محکوم کرد و خمرهای سرخ را مسئول این جنایت قلمداد کرد. در سال ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹، سازمان ملل متحد، گروهی را برای بررسی شواهد، ادله و قرائن فرستاد و این گروه را در پایان، به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی توصیه نمود (گودمان، ۱۳۷۳: ص ۸۴).

### تاریخچه تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی کامبوج

محاکمه پل پوت و اینگ ساری، اولین محاکمه نسل کشی در جهان، براساس سیاست سازمان ملل متحد و همچنین، اولین محاکمه یک رئیس دولت به اتهام مرتبط با حقوق بشر بود. این سابقه مستند، برای تاریخ کامبوج بسیار مهم است و همچنین، برای جوامع حقوقی و حقوق بشری بین‌المللی از بالاترین اهمیت برخوردار خواهد بود.

دادگاه خمرهای سرخ یا شعب ویژه محاکم کامبوج، سازوکاری محاکماتی محسوب می‌شود که با کمک‌های بین‌المللی و مساعدت‌های سازمان ملل متحد، به منظور رسیدگی به شکایات مطروحه علیه خمرهای سرخ و تعقیب قضایی و محاکمه آن، تأسیس شد که در ۱۲ ژوئن سال ۲۰۰۷ با تصویب آیین دادرسی و مقررات تشکیلاتی، فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز نمود. سازوکار قضایی مقرر در این دادگاه، با انگیزه محاکمه رهبران اصلی خمرهای سرخ و اشخاص حقیقی تأسیس شد؛ که بیشترین حد مسئولیت کیفری را در قبال جرایم ارتكابی در خلال دوران موسوم به کامبوج دموکراتیک یا رژیم خمرهای سرخ «۱۷ آوریل ۱۹۷۵-۶ ژانویه ۱۹۷۹» داشتند، دوره‌ای که منجر به مرگ بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر، بر اثر گرسنگی، شکنجه، کار اجباری و اعدام شد. این دادگاه، در واقع مرکب از شعب ویژه و موقتی است که در پی توافق سال ۲۰۰۳ دولت کامبوج با سازمان ملل متحد و جلب مشارکت جامعه بین‌المللی، با هدف تأمین عدالت برای اتباع کامبوج، تقویت حاکمیت قانون و استقرار آشتی ملی با کمک ابزارهایی چون حقوق ملی، حقوق بین‌المللی، قواعد امره مدون و عرفی بین‌المللی راجع به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با تصویب یک قانون داخلی در ساختار محاکم کامبوج تأسیس شده است. ساختار این دادگاه، به گونه‌ای تعبیه و طراحی شده است که هم‌زمان براساس مقررات ملی کامبوج یا قواعد مدون یا عرفی حقوق بین‌الملل وفق استانداردهای بین‌المللی ناظر بر مفهوم عدالت نسبت به انجام امور پیش بینی گردیده است. افزون بر آن، صلاحیت قضایی دادگاه از حیث زمان و مکان و مرتکبین، به ترتیب محدود به جرایم ارتكابی در کامبوج از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ تا ۶ ژانویه ۱۹۷۹ و رهبران و آمران اصلی ارتكاب جنایات و جرایمی است که در دوران موسوم به کامبوج دموکراتیک رخ داد (گیس و همکاران، ۲۰۰۶: ص ۸۹).

در ارتباط با این دادگاه کیفری بین‌المللی، سؤالاتی قابل طرح و بررسی است، از جمله، چرا چنین دادگاهی تشکیل شد و تشکیل آن پس از گذشت حدود سه دهه از ارتكاب جرایم، چه دلایلی داشت؟ و چرا علی‌رغم عضویت کامبوج در دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاهی مختلط برای رسیدگی نسبت به این امر تشکیل گردید؟

کامبوج، کشور کوچکی در جنوب شرقی آسیا است. پیدایش جنبش کمونیستی خمرها مربوط به زمانی است که کامبوج تحت‌الحمایه فرانسه گردید و از آن پس بود که این جنبش، قوت گرفت و ریشه‌دار شد. خمرهای سرخ که یک جنبش تندروی کمونیستی بود، به‌عنوان شاخه نظامی حزب کمونیستی کامپوچی در سال ۱۹۶۷، پایه‌گذاری شد. در واقع، خمرهای سرخ در جریان کودتای ژنرال لون نول، با حمایت ایالات متحده آمریکا که منجر به سقوط پادشاهی و اعلام جمهوریت شده بود، به‌عنوان نیروهای انقلابی به مقابله با حکومت اقدام کردند؛ تا اینکه با تصرف پایتخت (پنوم‌پن)، قدرت را در دست گرفتند. حزب مذکور، دولتی تحت عنوان دولت دموکراتیک کامپوچی را در سال ۱۹۷۶ تأسیس کرد و تا ژانویه ۱۹۷۹ به حکومت خود ادامه داد. بنابراین، زمینه سیاسی ظهور چنین جنبشی را باید در مداخله بیگانگان در کشور کامبوج دانست؛ به طوری که در برهه‌ای برای مقابله با استعمار فرانسه، یک جنبش کمونیستی شکل گرفت و در برهه‌ای دیگر، برای مقابله با دولت کودتا که با حمایت ایالات متحده آمریکا شکل گرفته بود، نیروهای خمرهای سرخ به‌عنوان نیروی انقلابی، به مقابله با حکومت دست‌نشانده اقدام کردند. بنابراین، یکی از علل بروز فجایعی چون جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، مداخله بیگانه در کشور و عدم احترام به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها است؛ که منجر به درگیری و تخاصم داخلی می‌شود. خمرهای سرخ پس از دست گرفتن قدرت، برنامه‌های مارکسیستی-لنینیستی خود را به‌عنوان برنامه‌های گذار، به اجرا گذاشتند. آنها در راستای ایجاد جامعه بی‌طبقه، مالکیت خصوصی را ملغی نمودند و در راستای عمل به اهداف ایدئولوژیک خود، حدود دو میلیون نفر از مردم را در پنوم‌پن و سایر مناطق، مجبور به کار کشاورزی کردند که در این جریان و نیز در جریان کوچ اجباری مردم برای کار اجباری در زمین‌های کشاورزی، شمار زیادی جان باختند. خمرهای سرخ مدعی بودند تنها مردم پاک‌نیت، واجد شرایط برای ساختن انقلاب هستند. در همین راستا، آنها هزاران نفر از سربازان، افسران نظامی، کارمندان دولت جمهوری خمر و شماری دیگر را بازداشت و اعدام کردند و این‌ها کسانی بودند که از نظر خمرهای سرخ، پاک‌نیت تلقی نمی‌شدند. آنها مردم را مجبور به اعتقاد و پیروی از رهبر حزب می‌کردند. این رهبر، از نظر آنها پدر و مادر همگی ملت محسوب می‌شد. خمرهای سرخ، افزون‌بر واداشتن مردم به کوچ اجباری و کار اجباری، به اعدام، شکنجه و نهایتاً حبس غیرقانونی مخالفان خود مشغول بودند و در راستای عملی کردن اهداف خود به حدی از شناعة و پستی رسیده بودند که این‌گونه شعار می‌دادند که: «در نگاه‌داشتن تو سودی نیست و در نابودی تو ضرری نیست». سرانجام، حکومت خمرهای سرخ با ورود نیروهای ویتنامی و تصرف پنوم‌پن در ۷ ژانویه ۱۹۷۹ توسط آنها، سقوط کرد.

باتوجه به گستردگی فجایع رخ داده در کامبوج، در آن زمان هیچ واکنشی از سوی جامعه بین‌المللی که بیانگر قصد اجرای عدالت و تعقیب و مجازات مسئولین این فجایع باشد، صورت نپذیرفت؛ جز اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آن زمان، نسبت به این موضوع واکنش داد و اعلام کرد که باید اقدامی علیه خمرهای سرخ صورت پذیرد. شاید دلیل عدم واکنش جدی نسبت به جنایات ارتكابی خمرهای سرخ، این باشد که در آن زمان، هنوز دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی مانند یوگسلاوی و رواندا شکل نگرفته بودند و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به تصویب نرسیده بود. در واقع، می‌توان عدم شکل‌گیری عزم جامعه بین‌المللی در دهه هفتاد میلادی برای مجازات جرایم بین‌المللی و تحقق عدالت کیفری بین‌المللی را، دلیل عدم واکنش مناسب در آن زمان دانست.

در پی تحولات بین‌المللی و آشکار شدن حجم جنایات علیه بشریت در کامبوج، مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۸، خمرهای سرخ با تسلیم پل پوت به دادگاه انقلابی خلق برای رسیدگی به جرائمی که مرتکب شده بود، موافقت کردند؛ لیکن پیش از وقوع این رخداد، مرگ او اعلام شد. چند روز پس از آن، جسدش را در منطقه تحت نفوذ خمر سرخ، سوزاندند. نظام خمرهای سرخ، با همه انتقادی که از آن می‌شد، تا سال ۱۹۷۹ یعنی تا هنگامی که ویتنام حامی آن بود، به حیات خود ادامه داد. در ۱۵ اوت ۱۹۷۹،

دادگاه انقلابی خلق کامبوج، پل پوت را به صورت غیابی به دلیل جنایت علیه بشریت و ژنوساید، محکوم کرد. تصمیم دادگاه به دلیل عدم متابعت شکلی و ماهوی با استانداردهای حقوقی بین‌المللی، مورد شناسایی اعضای جامعه جهانی، واقع نگردید. در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۷، دولت پادشاهی کامبوج با مخاطب قرار دادن جامعه بین‌المللی، رسماً تقاضای خود برای استعانت در تأسیس دادگاهی صالح، به منظور تعقیب قضایی مرتکبین نقض فاحش حقوق بشر دوستانه در کامبوج را به سازمان ملل متحد تقدیم کرد. در ۱۵ مارس ۱۹۹۹، گروهی از خبرگان ملل متحد در پاسخ به درخواست فوق، پیشنهاد تشکیل دادگاهی خارج از کامبوج را مطرح ساختند که مورد مخالفت دولت قرار گرفت.

در ۱۰ اوت ۲۰۰۱، در حالی که هنوز میان دولت و ملل متحد اتفاق نظر حاصل نگردیده بود، قانون «تشکیل شعب خاص دادگاه‌های کامبوج برای رسیدگی به جرائم ارتكابی در خلال دوران حاکمیت جمهوری دموکراتیک کامبوج» به تصویب مجلس کامبوج رسید. در ۸ فوریه ۲۰۰۲، سازمان ملل متحد کناره‌گیری خود از مذاکرات موسوم به محاکمه سران خمرهای سرخ را اعلام کرد. در ۶ ژوئن ۲۰۰۳، توافقنامه‌ای میان ملل متحد و دولت کامبوج در پنوم‌پن، به امضاء رسید که براساس آن، امکان محاکمه جنایتکاران بر مبنای قوانین ملی کامبوج فراهم گردید. در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۴، قانون اصلاح قانون «تشکیل شعب خاص دادگاه خمرهای کامبوج برای رسیدگی به جرائم ارتكابی در خلال دوران حاکمیت جمهوری دموکراتیک کامبوج» با توجه به توافقنامه ۶ ژوئن ۲۰۰۳ تصویب شد؛ که متعاقب آن، دادگاه، واجد جنبه‌های بین‌المللی گردید (آشوری، ۱۳۸۰: ص ۹۱).

در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۶، نسبت به تخصیص و تسلیم ساختمان‌های اداری مورد نیاز دادگاه (که بخشی از ابنیه متعلق به ستاد مرکزی ارتش پادشاهی بودند)، به دادگاه اقدام کرد. در ۸ فوریه ۲۰۰۶، کادر اداری دادگاه تعیین و استخدام گردید و در ۳ ژوئیه ۲۰۰۶، قضات ملی و بین‌المللی دادگاه تعیین شده و سوگند یاد کردند و نهایتاً در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۷، با تصویب آیین دادرسی و مقررات تشکیلاتی، دادگاه، فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز کرد.

### بررسی دیوان خمرهای سرخ یا شعب ویژه کامبوج

اخبار نسل‌کشی در کامبوج، حاوی گزارش‌های گسترده‌ای از دادگاه انقلاب خلق است. محاکمه در زمینه تاریخی، حقوقی و سیاسی آن، مورد توجه قرار می‌گیرد. اسناد مربوط به تأسیس دادگاه، مواردی هستند که به عنوان مدرک مورد استفاده قرار می‌گیرند که به قرار ذیل قابل بررسی است ((اظهارات شاهدان، گزارش‌های تحقیقی از مکان‌های گورهای دسته‌جمعی، نظرات کارشناسان در مورد تأثیر اجتماعی و فرهنگی اقدامات پول پوت و اینگ ساری، و گزارش‌های مطبوعات خارجی)).

بعد از ارتکاب جنایاتی که توسط خمرهای سرخ در کامبوج صورت گرفت و بالغ بر یک میلیون و هفتصد هزار نفر در آنجا به قتل رسیدند، برای رسیدگی به جنایات رهبران خمر سرخ طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ در ۱۷ مارس ۲۰۰۳، دادگاه ویژه کامبوج براساس قانون تشکیل شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج *Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia* و براساس موافقت‌نامه میان سازمان ملل متحد و دولت کامبوج، تأسیس شده است. این دادگاه، براساس قانون مجازات کامبوج و عرف و قواعد حقوق بشر دوستانه و کنوانسیون‌های بین‌المللی که در کشور کامبوج به رسمیت شناخته شدند، رسیدگی خواهد کرد. این دادگاه، مرکب از ۷ قاضی به نسبت ۳ قاضی بین‌المللی و ۴ قاضی ملی است. صلاحیت زمانی این دادگاه از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ تا ۶ ژانویه ۱۹۷۹ خواهد بود. دادگاه، عهده‌دار محاکمه سران و رهبران ارشد و کسانی است که بیشترین مسئولیت را برای جرایم ارتکاب‌یافته در کامبوج (کام پوچی‌ای) دموکراتیک به عهده داشته‌اند. شایان ذکر است که صلاحیت سرزمینی این دادگاه، قلمرو کشور کامبوج می‌باشد (ممتاز و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۶۵).

صلاحیت ذاتی یا موضوعی این دادگاه عبارت است از: نسل‌کشی، نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و جرایم تعریف شده توسط قانون کامبوج، که دادگاه ویژه براساس آن تأسیس شده است. صلاحیت این دادگاه از نوع صلاحیت انحصاری می‌باشد. این دادگاه، نخستین رأی خود را درخصوص «کینگ گوئگ ایو» معروف به «دوخ»، یکی از متهمان اصلی رژیم خمر سرخ به اتهام شکنجه، قتل عمد، احیای بردگی و جنایات جنگی، صادر نموده و او را به ۳۵ سال حبس محکوم کرده است. چهار تن دیگر از متهمان این دادگاه که مسئولان ارشد رژیم خمرهای سرخ هستند، در بازداشت به سر می‌برند. روزشمار برخی رویدادهای مهم شعب فوق‌العاده دادگاه‌های ویژه کامبوج به شرح زیر است (کچوئیان فینی، ۱۳۸۸: ص ۹۴).

الف) انعقاد موافقت‌نامه، بین سازمان ملل متحد و حکومت سلطنتی کامبوج در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۰۳ به منظور تعقیب جرایم ارتکاب‌یافته در طول دوره «کامپوچیی» دموکراتیک به موجب قوانین کامبوج؛

ب) تصویب قانون تأسیس شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج، به منظور تعقیب جرایم ارتکابی در طول دوره کامپوچیی دموکراتیک در تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۰۱ توسط مجلس کامبوج؛

پ) تشکیل دادگاه ویژه کامبوج براساس قانون تشکیل شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج و براساس موافقت‌نامه میان سازمان ملل متحد و دولت کامبوج در ۱۷ مارس ۲۰۰۳؛

ت) صدور نخستین رأی دادگاه در تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۱۰ مبنی بر محکومیت «کینگ گوئگ ایو» معروف به «دوخ» به ۳۵ سال زندان به اتهامات شکنجه، قتل عمد، احیای بردگی و جنایات جنگی.

### نتیجه‌گیری

دادگاه خمرهای سرخ که نام کامل آن عبارت است از: «شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج»، سازوکار محاکماتی و سیستم دادگاهی ویژه‌ای در محاکم کشور کامبوج است؛ که با کمک‌های بین‌المللی و مساعدت سازمان ملل متحد به منظور رسیدگی به شکایات مطروحه علیه خمرهای سرخ و تعقیب قضایی و محاکمه آنان تأسیس گردید. این سیستم قضاوتی، به انگیزه محاکمه رهبران اصلی خمرهای سرخ و اشخاص حقیقی تأسیس گردید که بیشترین حد مسئولیت کیفری را در قبال جرائم ارتکاب‌یافته در خلال دوران موسوم به کامبوج دموکراتیک یا رژیم خمرهای سرخ (۱۷ آوریل ۱۹۷۵؛ ۶ ژانویه ۱۹۷۹) داشته‌اند، دوره‌ای که گفته می‌شود منجر به مرگ بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر بر اثر گرسنگی، شکنجه، کار اجباری و اعدام‌های مختصر گردید.

ECCCCK در واقع، مرکب از شعب ویژه و موقتی است که در پی توافق ۲۰۰۳ دولت پادشاهی کامبوج با سازمان ملل متحد و جلب مشارکت جامعه بین‌المللی، با اهداف تأمین عدالت برای اتباع کامبوج، تقویت حکومت قانون و استقرار آشتی ملی به کمک ابزارهایی چون حقوق داخلی، حقوق بین‌الملل، قواعد آمره مدون و عرفی بین‌المللی راجع به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، با تصویب یک قانون داخلی در سیستم دادگاه‌های کامبوج، تأسیس شده است.

این دادگاه دوجنبه‌ای، به گونه‌ای طراحی گردید که بتواند همزمان براساس مقررات ملی کامبوج یا قواعد مدون یا عرفی حقوق بین‌الملل، وفق استانداردهای بین‌المللی ناظر به مفهوم عدالت، نسبت به انجام اشتغال‌ات قضایی خود اقدام کند. قطع نظر از قوانین کیفری ملی، کنوانسیون‌های بین‌المللی که منابع عمده حقوقی بین‌المللی برای شعب ویژه به‌شمار می‌روند، عبارتند از: پیشگیری و مجازات ژنوساید، جنایات علیه بشریت، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (موسوم به جنایات جنگی)، حمایت از اموال فرهنگی در خلال مخاصمات مسلحانه و حقوق دیپلماتیک. با این اوصاف، متهمان پس از احراز مجرمیت، ممکن است حسب

مورد براساس نقض یکی یا تمام اسناد و منابع حقوقی و قانونی (اعم از بین‌المللی یا ملی) پیش‌گفته، محکوم به تحمل مجازات شوند. صلاحیت قضایی دادگاه از حیث زمان و مکان و اشخاص، به‌ترتیب محدود است به جرایم ارتکاب‌یافته در کامبوج از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ لغایت ۶ ژانویه ۱۹۷۹ و سران کلیدی و آمرین اصلی جنایات و جرائمی که در دوران موسوم به کامبوج دموکراتیک رخ داد.

## منابع

- انوری، ابراهیم (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: انتشارات نسل نیکن، چاپ سوم.
- آشوری، محمد (۱۳۸۰). *تقریرات درس جرم‌شناسی*. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۶). *محاكمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی*. انتشارات گنج دانش.
- نورا، کارستن؛ آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۹). *معیارهای تفکیک بین مقامات مافوق نظامی و غیرنظامی در تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی*. *حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۲.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۳). *تعقیب کیفری مقامات عالی‌رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی*. ترجمه حمیدرضا جاویدزاده.
- کچوئیان فینی، جواد (۱۳۸۸). *تحول مفهوم مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری*. *سیاست خارجی*، شماره ۴.
- کرامر، مارک (۱۳۹۱). *نسل‌کشی*. مترجم علی معظمی و خشایار دیهیمی.
- کرایر، رابرت؛ فریمن، هاکان؛ رابینسون، داریل؛ ویلمز هورست، الیزابت (۱۳۹۳). *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*. ترجمه: حسین فخر، داوود کوهی. تهران: انتشارات مجد.
- گوتمان، روی (۱۳۷۳). *شاهدی بر نسل‌کشی*. مترجم: محمود حدادی. تهران: موسسه اطلاعات.
- گیس، رابین؛ بولینکس، نوئمی (۲۰۰۶). *محاكمه کیفری بین‌المللی و بین‌المللی شده: بررسی اجمالی*. مترجم جبار اصلانی. تهران: انتشارات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.
- ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی*. تهران: میزان، چاپ سوم.
- وتسون، فرناندو (۱۳۸۸). *فلسفه حقوق بین‌الملل*. ترجمه محسن محبی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
- کریانگ ساک، کیتی چایساری؛ ترجمه آقایی جنت مکان، حسین؛ *حقوق کیفری بین‌المللی*، چاپ چهارم، ۱۳۹۳، انتشارات جنگل
- گرکاو، سام، بزه دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی، مترجم: حیدر فرهمندفر، *تعالی حقوق*، شماره ۳، سال ۱۳۸۸.

- گرین وود، کریستوفر، دیوان بین المللی برای یوگسلاوی سابق، مترجم: دکتر مهرداد سیدی، مجله حقوقی، شماره ۱۹ و ۱۸، سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۳.

- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال، ۱۳۸۶، جامعه شناسی، مترجم: محسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ویرایش چهارم.

- اریک، داوید؛ دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ترجمه: رحیمی، مصطفی، مجله حقوقی، شماره ۱۸ و ۱۹.

De Nike, H.J. & et al. (۲۰۱۲). *Genocide in Cambodia, Documents from the Trial of Pol Pot and Ieng Sary*. University of Pennsylvania Press, Incorporated.